

MUSEUM.

1856-57.

Collection No. 9

MUTINY PAPERS

Pros.  
Serial Nos.

Files of SIRAJU'LLAH AKHBAR

Vol. 12; no. 37; November 27, 1856

Subject.

News about The Moghul Court at Delhi and select news  
from THE DEHLI URDU AKHBAR.

Foll. 4; Size 12" x 7  $\frac{3}{4}$ ". (Printed).

Previous References.

Later References.

نمبر ۳

سراج الاخبار

جلد اول

من ابتداء الوجود مستقیم برین سراج اول ششمه هجری مطابق سبت نهم نوامبر سنه ۱۲۸۰ قمری جمعیه برین سراج

اخبار دربار جهان در عصر سلطانی خلیفه الرحمانی فرعون خاندان  
عالمیشان کج رگانی عجم دو دمان کج نیش صاحبقرانی خلد ملکه

چو قصه نیر بهرام کرد در امان در این صحن و سیمین بان مین

سحرگاه آید به نیک اختر می هگل سراج طاق سلوک  
خسرو دین نیاه تعبد لارین کمان نگاه خرم  
الدوله بهادر زرا سعادت نفس شناسی  
نخستیده در تسبیح خانه بر آمدند جمیع حضار  
در بار مثل معشره کله و له محبوب علیخان بهادر  
و نظارت خان و کتبان و لدا علیخان  
و سمش الله و له نخستی نجف خان سرفراز الله  
و سیر عدل بهادر و نجم الدوله محمد ۲۲ الله خان  
سجبان دوران و وقار الدوله محمد اسماعیل خان  
و دیگر اراکین نشان مجرا و تسلیم بجا آورده دست  
سبته استیادند بعد شنیدن غزل طبع از صاحب

و نیز بر قین اواب و کور نش است بهادر  
و قلعه ز بهادر و موسی و در قلعه  
کر دیده نه نصف النهار هنگام سیرای با بهرام  
گشته قید کله گاه ار استند کادوسی ناز  
سپهرین و دیگر شغال دشمن عصر خوانند  
آخرین بهار متوجه کلاکت باغ حیات  
بخش شده هنگام شام مراجعت فرموده  
و داخل ایران دینان گشته بعضی حضور  
الهی بخش بهادر و مزار الله بخش بهادر  
و دیگر سلاطین ذمی تکلیف ناز و توفیق بخش  
مسند جهان بنایی کرده به زینت عظمی کلاکت

مرزا ابوبکر ببادرستانه و با صبیحه مرزا  
خبر و هاد در نکاح مرزا مدوح رو در حضور  
بر غور بسته بعد از آن در اخلال شهرت  
گردیدند شبگاه احترام الدوله رایا بودند

### یوم کاشت بنه غره رسع التاش

قبل از طلوع میر جهان افروز فرضیه مایه  
سجا آورده احترام الدوله هاد برفت  
نقش شناسی بخشیدند بعد از اقدام  
سپاس که در بار راز رشک چمن گردانیدند  
و در کین مین بکن دست سینه حاکم مایه  
و ملاحظه شش قطعات کاشت در آن  
مرشته دارالافتاسمی امین الدوله  
بهادر و کسنت بهادر کی مع نقل  
عرضی مرزا جمعیت شکوه هاد و غره  
سیران مرزا جانی مرحوم تنخواه دار بنده  
رو به پنج از سه پاس از امانت کلمه  
جهان پر نور بانو سکیم باریش و ارسال  
جشنی انگریزی نزد کلکتر بهادر در مین صر  
در باب دینان شماره ان مرحوم

مرزا یابی مدوح از رسیدن آنها و دومی مع  
نقل عرضی همین مرزا اندک روز در مقدمه  
تقرری دو صد رو به سالانه منجمله  
مواضعات مرزی که لوله تعلقه  
چون که منجمله بکبار رو به موسومه جهان  
بانو سکیم مرزا جانی مرحوم میباشند  
بارش و اجرای خط بنام ریشل انجا  
بنابر اعیان آن از رسیدن هر می ترسیدند  
مرزا جانی و سومی مع نقل عرضی غلام  
نظام الدین غره سیران مرزا ولی الله  
مرحوم تنخواه دار است و بیشتر رو به  
سنت پای منجمله دو صد رو به مقرر  
انگریزی موسومه مرزا را به الدین بهادر  
مرحوم باریش و تخریب خط انگریزی  
بنام کلکتر دلی بنابر و اصل گردانیدند  
حالاً از رسیدن مرزا یان مدوح و  
چارمی بناسخ و الفیض کسنت بهادر  
انجمنی مقدمه متفانی سفت منزل حجره  
مقبوضه را جزو راه رفته بهادر تعلقه  
باغ صاحبه امانت حکم اجرای پروانه بنام  
داروغه انجا مشعر حکم مزاحمت از و

# یوم دوشنبه دوم ربیع

باقتضای شیر باد او فریضه وقتی که از راه  
 و احرام الدوله بباد را بر تقدس تماش  
 نموده رونق دیوان خاص شده  
 حضار در بار ابواب و کورنش مجاور  
 و غول طبع را در زبانی وقار الدوله مسیح  
 مبارک انداخته نذر سفت الدوله  
 که از دوره معاودت نموده نذر نقد  
 ملاحظه عرضی مرزاقاد بخش عرفت  
 اطلاق به خود غلامان  
 مسلمان حسود و کلوه معاشان مرز  
 فخر الملک ولد سعید الملک برادر زاده  
 خویش را از خانه آتش و شمشیر این  
 زد و ضرب بردمان معین و دیو هر  
 مسکن از هنگام محافبت  
 ازین امر با او و تا حال نهم شش  
 نزد خود و نذر ستادان بخانه او و بقر  
 مضطر بودن مادرش سبب کم گفتگر  
 بسته عای اجرای شقه خاص شام  
 بخت بباد را بر اجرای جبهی الکرزی

در سطله کرایه و پنجمی در باره نیت طلوع  
 مرزاد را شکوه و نغز مع اصل طلوع  
 سو سویشان و شش می مقدمه میر محمد  
 حسین و نغز به بیان و ستم علی بیدر  
 بیکم و علیها مشغول فتن آنها با وصف  
 تجسس و تلاش بسیار در قلعه معنی نقل  
 عرضی میر عدل بباد و ازین رو عدم  
 اطلاع عالی به عیلم سبیل مبر اختصاص  
 فرموده حکم اجرای فردا دادند بعد  
 از آن داخل مشکوی سردی شده  
 حمدا را بختی و وجود قلعه بعد  
 اداب و کورنش عرض کنانید که  
 امین الدوله از شکر مرحت سخته  
 بکوتنی خود داخل شد بعلام احمد خان  
 ایما رفت که خبر خربت در یافته مع  
 وارد نصف النهار هنگام نعمت بر  
 مایده طعام کشته قبول گاه استند  
 اخس بن نهار در براده جات جه  
 نشد برف داشته شام گاه از نج  
 بجل خاص رونق افروز شدند  
 بعد مغرب احرام الدوله بباد را بباد

بنام شترت با در در خصوص کز قنار  
 و سزا یابی مدعی علیهما فرمودند که شترت  
 یعنی بنام اجنت با در حس حواری  
 انرا از عرصه و زمین برد بعد پذیرفتن  
 ادب و کورنش با در ان ذیشان  
 زین ای محل والا کشته نمکام نصف  
 النهار مایه خاصه را نعمت بهشت  
 بخشیدند بعد استراحت قبوله  
 و ادای شستن و عصر اخرین نهار  
 رونق افزوز کرده باز دولت  
 داخل شدند بوقت سیم که زر  
 بنکش خدام محل یعنی داخل خزانه  
 والا گردید و غلام احمد خان مبلغ  
 بیست صد و سی سه روپیه بخواه  
 ندانه و دو صد و ششاد روپیه امد  
 کلید خانه به کجور شاهی رسانیدند  
 که حسب دستور تقسیم کرد و بود  
 مغرب احترام الدوله با در را  
 بار دادند فقط...  
**یوم سه شنبه سوم ربیع الثانی**

بنمود سفید و با باد نواز وقتی گذارده حرام  
 الدوله با در را بنص شناس گردانیدند  
 حضور می امرای دولت مستد جناب  
 را از راسته غزل طبع زاد خاص ز با در  
 و قار الدوله شنودند به پذیرفتن ادب  
 و کورنش با در ان ذیشان داخل ایوان  
 خد بیان گردیدند نصف النهار حکام  
 نعمت برای مایه طعام کشته قبوله  
 گاه اراستند با دای نواز شستن و دیگر  
 اشغال در شستن عصر خواندند اخرین  
 نهار بهم کالاه امد دولت متوجه  
 کلکت و تفرج شده تمام کا معاد  
 نموده داخل ایوان ذیشان گردیدند  
 بعد مغرب احترام الدوله با در را  
 بار کردند فقط...

**یوم چهارم چهارم ربیع الثانی**

ساعت بیست و یک نماز مایه بود  
 فرموده احترام الدوله با در را بنص  
 شناسی اختیار بخشیده براد شدند

و چرا و تسلیم بار بایان عتیبه ملائیک مقیم و داد  
و کور نشس با دران و نشان بد رفته  
داخل ابوان شهر با رتی کشند  
نصف النهار هنگام نعمت بری ماید  
طعام کرده و قیلوله گاه دار استند با دانه  
نماز پیشین و دیگر اشغال نشین  
عصر که آید از آخرین نماز متوجه سیر  
و تفریح باغ سلیم که کرده و در نظار  
خان بود دیگر از کلبان در آشنای  
راه شریف مجاز نواخته شام گاه  
داخل ابوان عزو نشان شده

### یوم پنجم ریح الثانی

بعد از ای طاعت رب العزت اقرام الله  
بهدر را بر نبض کامیاب نموده  
و ساد و صاحبقرانی رونق افروخته  
بلاخطه عرضی چون رای عفت و کم  
لکه دوران نواب زیت محل سلیم منضم  
بدین التماس که در شولا شادی  
برادرزادی فدیه با ولایت علیجان

نیره ملک محمد خان که در عهد خلافت  
حضرت فردوس منزل نامی آمد بر  
نخطاب مصمام الله و سر از زبوا  
و متوسل و نکو که قد علم بن دودمان  
عظمت نشان است استغزاز یافته  
و با فعل نرات آن از جی پور راه  
است امیدوار است که ولایت علیجان  
نکور را بطور دیگر اقرابی کنیز که خایزاد  
قدم این دودمان اند بوطای شهره خلعت  
و نخطاب کامیاب میشوند اینهم سر از زکرا  
حکم شده که مستحکم الله موجب در خوا  
لکه دوران سر انجام خلعت کرده و  
بقبول آداب و کور نشس با دران و نشان  
زبانی صحبهار و جویدار بهلا خطه  
عرضی است سنت بهادری مع نقل و نگار  
عدالت دیرانی دینجا ص و اصل طلاعت  
بمقدمه سبکداس مرعی موسوم به پورا  
صوسو ولد عزت الله ساکن قلعه سارک  
به درخواست ثبت اطلاعاتی به عتیبه  
فرمودند ثبت الکی معرفت نیز عدلی  
بها در سحر بر پذیرد به بلا خطه زکرا

شکر ایقان یا بیدار نمودند لطف الرحمان  
 بپسر اصفیام الدوله از ابن الرحمن حاضر  
 رزیده نیز گذرانید بر فرزند عیانت  
 خسروی کورج در شب و خطاب  
 مختصر الدوله لطف الرحمن خسته  
 نذر شکری قبول کردند و توطئه شقه  
 نخاص بنام کورج از افراسیاب حرم خاص  
 متضمن منظوم ریخصت و احاطت  
 زیارت حرمین الشریفین زیاد نماید  
 شد غا و تعظیما عرضده و بویافت  
 بعد از آن داخل ایوان شهریار  
 شد نه نصحت اثنهار فنگام  
 نعمت برای بایده طعام کشته بخورد  
 گاه اراشستند بادای نمازین  
 و دیگر اشغال و نشین عصر خواند  
 احسب بین نهاد عرض حضور  
 تو نکر رکاب و دیگر عیقت  
 باب متوجه سیر و کفایت  
 کردیده شام فنگام از دیو دبی  
 خواص پوره داخل محل کردید  
 بعد مغرب اصرام الدوله بهار را

یاد فرمودند فقط

# یوم جمعه ششم ریح السال

بدو سی کسین و فریضیه یوم آدینه اصرام  
 الدوله بهادر را از شهرت بعضی غنا  
 برده در وقت بخش دیوان خاص  
 شدند و حضار در بار ادا و کوشش  
 گذارده دست کشیده بعد از آن متوجه  
 مکان هزارها بخشه بهادر کردند و سینه  
 در وقت افزوده در بعد مراجعت نموده  
 داخل شهر یاری کردند و بیلا خطه  
 قطعه و ارض الوض استیانت بهادر  
 اجتنبی مع نقل عرضی بهار بلعل و کبیر  
 سرکار برخواست صد در حکم والا  
 بنام کار گذاران خلافت جهت  
 فرستادن وجه شہوت مقدمه کار بر زبان  
 خلافت مدعی بنام شیر محمد علی عبدغفور  
 دخیالی صاحب رعد ارضی کسینی نعمتی نجاه  
 روبرو فرجیه منصف حوالی شهر فرمود  
 که وجه شہوت ان ارز سجد دار و غنای

طلب شدہ فرستادہ شونہ نصف  
 النہار تکام نصبت برای مایہ طہ  
 کشتہ تیار لہ گاہ اور آستندہ ماوای  
 بخارہ شین و دیگر اشغال نشین  
 عین خواندہ بعد تجسس اراکلیہ  
 مبتدئہ مکمل در راہہ حانت ہر گز  
 نشہ یف و آستہ ناشائی قدت  
 بخوانی کشتہ یزیدی مغرب برستند  
 بعد از ان احترام اللہ ولہ بماذر  
 را یاد فرمودند فقط . . .

# دھلے اردو اخبار

## کابل

کار سباندت دہلی گرت کلاہ تہج  
 نو بر مشہور کو کابل من سے گتہا کر  
 کہ انجمن ہای مشورہ امیر من ہر روز  
 مشورہ رہتا ہر اور سر روز کا ہست  
 سیاہ پیادہ من واسطے بھیجے ہر آ  
 کے متصرف رہتا ہر لوگ کہتے ہر

کہ قزلباشی امیر کے جو کشت تیار  
 ایران کے پاسن چلی گئے ہر  
 او ہنوز امیر کا ساتھ نہیں چھوڑ  
 بلکہ در حقیقت وہ اس بلطک کے  
 بھیجے گئے ہر کہ شاہ ایران کے  
 دل میں امیر کے طرف سے اعتما  
 بد اگرین مردمان کابل یہ نہیں  
 کہتے ہر کہ امیر شاہ ایران نہیں ہی  
 سو وقت رکھنی چاہتا ہر اور یقین  
 رکھتا ہر کہ اس کی رشتہ دار جو کشت  
 موصوفت کے پاس ہر من اس نوبہ ہم  
 رہی اور زندہ کو نہیں اور کسی بہت  
 کام او نیکی اگر شاہ ایران کو اگر زند  
 نے شکست دی تو امیر اگر زندون کو  
 یہ مشفق خاطر کردی گا کہ سب کے  
 کہ سینے تمہاری متابعت اختیار کے  
 اور تمہاری طرف مائل رہا ہر  
 قرآن ہون اور ایک کروہ کثر اہل اسلام  
 نے تہری رفاقت ترک کے اور  
 ابراہنوں کے پاس جے گئے اور  
 واسطے مقابلہ مسلمانوں کے لو کہ وہ

